

آموزش در باغ عدن



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: پیدایش ۲: ۷ تا ۲۳؛ پیدایش ۳: ۱ تا ۶؛ دوم پطرس ۱: ۳ تا ۱۱؛ دوم پطرس ۲: ۱ تا ۱۷؛ عبرانیان ۱۳: ۷، ۱۷، ۲۴.

آیه حفظی: «به یادآور که قدرت خدا چقدر عظیم است؛ او معلمی است که همتا ندارد» (ایوب ۳۶: ۲۲).

اکثر شاگردان کتاب مقدس، داستان پیدایش باب ۱ تا ۳ و شخصیت های بازیگر آن را میدانند: خدا، آدم، حوا، فرشتگان، و مار. موقعیت در باغی با شکوه در فردوس به نام «عدن» واقع شده است. چیدمان و سیر تحولات داستان مجموعه ای از وقایع منطقی را دنبال می کند. خداوند می آفریند. خدا آدم و حوا را تعلیم می دهد. آدم و حوا مرتکب گناه میشوند. آدم و حوا از باغ عدن تبعید میشوند.

با این حال، با نگاهی نزدیکتر به اولین فصول کتاب پیدایش، خصوصاً از میان لنز آموزش، دیدگاه های بازیگران، چیدمان و داستان آشکار خواهد شد.

«نظام آموزشی که در آغاز جهان بنیان نهاده شد، قرار بود تا برای انسان در طول تاریخ الگویی بشود. به عنوان تصویری از اصول آن، مدلی از یک مدرسه در باغ عدن تاسیس گردید، که در خانه اولین والدین ما بود. باغ عدن کلاس درس و طبیعت کتاب درسی آن بود، پروردگار معلم بود و والدین خانواده بشری، دانش آموزان این مدرسه بودند» (الن جی وایت، آموزش، صفحه ۲۰).

پروردگار بنیانگذار، مدیر، و معلم این مدرسه نخستین بود. اما همانطور که میدانیم، در نهایت آدم و حوا معلم دیگری را برای خود انتخاب کرده و دروس غلطی را آموختند. چه اتفاقی افتاد، چرا، و چه چیزی را میتوانیم از این روایت آموزش بیاموزیم که بتواند امروز در زندگی به ما کمک کند؟

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۲ مهر - ۳ اکتبر آماده شوید.

اولین مدرسه

کاملاً قابل درک است که باغ را به عنوان کلاس درس ندانیم، به ویژه جایی مانند باغ عدن، که سرشار از چیزهای ارزشمندی از خلقت خداست که فساد نمی پذیرد. از دیدگاه امروزی ما تصور این موضوع دشوار است که بدانیم، چه مقدار این موجودات سقوط نکرده، در یک دنیای انحطاط نیافته، که مستقیماً توسط پروردگارشان تعلیم داده شده بودند، باید در آن «کلاس درس» آموزش دیده باشند.

پیدایش باب ۲: ۷ تا ۲۳ را بخوانید. چه چیزی در مورد هدفمندی خداوند در خلقت، سکنی دادن و بکارگیری آدم در باغ عدن توجه شما را جلب می کند؟

خدا، مرد و زن را در شمائل خود آفرید و به آنها خانه و کاری برجسته و معنادار داد. وقتی تعامل و همکاری معلم- شاگرد را در نظر بگیرید، این یک رابطه ایده ال است. خداوند قابلیت ها و توانایی های آدم را میدانست زیرا او آدم را آفریده بود. او می توانست آدم را تعلیم دهد بخاطر اینکه می دانست که آدم می تواند قابلیت خود را بطور کامل درک کند.

خدا به انسان مسئولیتی سپرد، اما او همچنین سعادت و خوشبختی انسان را می خواست. و شاید مسئولیتی که به او سپرده شده بود سهمی در شادی او ایفا کرده بود. و گذشته از هر چیز، چه کسی رضامندی و شادی بدست نمی آورد، حتی از مسئولیت هایی که به او داده شده باشد و آنگاه وفادارانه آنها را به انجام رساند؟ خدا شخصیت آدم و آنچه که او برای رشد نیاز داشت را میشناخت، بنابراین، به آدم وظیفه مراقبت و نگهداری باغ عدن را سپرد. «سپس خداوند آدم را در باغ عدن گذاشت تا در آن زراعت کند و آن را نگهداری نماید» (پیدایش ۲: ۱۵). برای ما که فقط در دنیای گناه و مرگ زندگی می کنیم دشوار است تا بدانیم که کار و درس آدم باید شامل چه چیزهایی بوده باشد در حینی که کار می کرد و از خانه باغ مراقبت بعمل می آورد.

در پیدایش باب ۲: ۱۹ تا ۲۳، خدا حیوانات را برای همیاری آدم آفرید، و همچنین حوا را به عنوان همسر آدم آفرید. خدا میدانست که آدم به مصاحبت و یاری جفت خود نیاز دارد، از این رو زن را آفرید.

خدا همچنین می دانست که انسان رابطه ای نزدیک با او نیاز دارد، بنابراین او فضایی صمیمی در محدوده باغ عدن برای مرآوده با انسان ایجاد نمود. همه اینها بیانگر هدفمندی خداوند در آفرینش و عشق و محبت او نسبت به بشریت است. بازم، با توجه

به فاصله زیاد بین ما و باغ عدن، تصور آن مکان که باید شبیه چه بوده باشد، دشوار است، گرچه تصور آن باید مهیج باشد، اینطور نیست؟

اگرچه بسیار از عدن دور شدیم، اما همچنان می توانیم از طبیعت درس هایی بگیریم. برخی از این درس ها چه هستند و چگونه میتوانیم از آنها بهره ببریم در حالی که آنها را از طریق لنزهای آیات کتاب مقدسی تعبیر می کنیم؟

۷ مهر

دوشنبه

سَرک کشیدن

یکی از تفریحات بزرگ برای بسیاری از معلمان چیدمان کلاس های درس آنان است: آویزان کردن تابلوهای اعلانات، مرتب کردن لوازم، و آراستن فضاها در مطلوب ترین شکل. هنگامیکه ما با دیدگاه خداوند کلاس باغ عدن را نگاه می کنیم، می بینیم که او با دلسوزی و مراقبت محیط آموزشی را برای آدم و حوا آماده کرده بود. او دوست داشت تا محیطی زیبا آنها را احاطه کند. میتوانیم تجسم کنیم که گلهای، پرندگان، حیوانات، و درختان چه محیط زیبایی را برای آدم و حوا بوجود آورده بودند تا بیشتر درباره جهان و خالق آن بیاموزند.

با این وجود یک تغییر ناگهانی از باب ۲ پیدایش به باب ۳ پیدایش رخ داده است. ما فهرستی از کلیه برکات و نعمت هایی که خداوند با نیت الهی ایجاد کرده بود را تهیه کردیم. اما در پیدایش ۳: ۱ نیز نسبت به آزادی انتخاب انسان آگاه میشویم که توسط خدا مهیا شده بود. حضور مار به عنوان «مکارترین و حيله گرتريـن جانور صحرا»، خارج شدن از زبانی است که قبلاً بکار رفته بود. کلماتی مانند «خیلی خوب» و «شرم نداشتند» و «دلپذیر» صفت هایی هستند که برای توصیف خلقت خداوند در فصل های قبل بکار رفته اند. ولی حالا با وجود مار، لحن تغییر می کند. کلمه «زیرک» همچنین در برخی از نسخه ها به عنوان «حيله گر یا مکار» ترجمه شده است.

بطور ناگهانی عنصری منفی به آنچه که تا حالا کمال محض بوده معرفی می شود. در همسنجی، کتاب پیدایش خداوند را بعنوان متضاد با «مکر» معرفی میکند. انتظارات خداوند از این زوج در باغ عدن بطور برجسته ای صریح و واضح است. ما از فرمان خدا در پیدایش باب ۲: ۱۶، ۱۷ می دانیم که او یک قانون کلیدی تعیین کرد که میبایستی از آن پیروی کنند، و آن هم این بوده که از درخت ممنوعه میوه ای نخورند.

فارغ از این که چه چیزی از این داستان استنباط کنیم، یک چیز برجسته بود: آدم و حوا به عنوان موجوداتی بودند که از دیدگاه اخلاقی با آزادی اختیار خلق شده بودند، موجوداتی که قادر بودند تا بین اطاعت و نافرمانی یکی را انتخاب کنند. از اینرو، درست از همان ابتدا، حتی در دنیای قبل از گناه، ما میتوانیم این واقعیت را در آزادی اختیار بشر ببینیم.

در پیدایش فصل ۳: ۱ تا ۶، تشریحاتی را بررسی کنید که مار از آنها استفاده، و بعداً حوا آنها را تکرار کرد. در باره اطلاعاتی که مار به حوا ارائه می کند، چه چیزی توجه شما را جلب میکند؟ درباره نظر حوا نسبت به درخت شناخت خوب و بد، چه چیزی توجه شما را جلب می کند؟

در پیدایش ۲: ۱۷، خداوند به آدم گفت اگر از میوه درخت شناخت خوب و بد بخورد «مطمئناً خواهد مرد». وقتی حوا در پیدایش باب ۳ آیه ۳، فرمان را تکرار کرد، او تاکید و شدت فرمان را ابراز نکرد و واژه «مطمئناً» را حذف نمود. در پیدایش ۳: ۴ مار در ضدیت محض با خداوند، آنچه را که خدا گفته بود تحریف کرد. بنظر گرچه حوا از خدا در باغ تعلیم یافته بود، ولی او آنچه را که آموخته بود آنطور که باید جدی نگرفته بود، با توجه به لحن زبانی که او بکار برد.

۸ مهر

سه شنبه

از دست دادن پیغام

همانطور که در درس دیروز دیدیم، بر خلاف دستور واضح خداوند، حوا، حتی از زبان خودش، آنچه را که آموخته بود را بی رمق ساخت. اگرچه حوا هر آنچه که خداوند به او گفته بود را به غلط تعبیر نکرد، ولی آشکار است که او آنرا به اندازه کافی جدی نگرفت. به سختی می توان در مورد پیامدهای اقدامات او مبالغه کرد.

بنابراین، وقتی حوا با مار روبرو شد، برای مار آنچه را که خداوند در مورد درختان باغ عدن گفته بود [اما نه بطور دقیق] تکرار کرد (پیدایش ۳: ۲، ۳). البته این پیغام، برای مار خبر جدیدی نبود. مار با فرمان آشنا بود و از اینرو کاملاً برای تحریف فرمان خداوند آماده بود، و از معصومیت حوا برای شکار او استفاده کرد.

پیدایش باب ۳: ۴ تا ۶ را بررسی کنید. علاوه بر تکذیب مستقیم آنچه که خداوند گفته بود، مار چه چیز دیگری را بیان کرد، که بدیهی است، توانست حوا را فریب دهد؟ او برای فریب حوا از چه اصولی سوء استفاده کرد؟

وقتی مار به حوا گفت که بخشی از پیغام و فرمان خداوند به آنها درست نیست، حوا میتوانست نزد خداوند برود و با او مشورت کند، و درباره صحت امر خداوند از او پرسد. نکته زیبا و خوبی در مورد آموزش در باغ عدن وجود دارد: دسترسی شاگردان به معلم توانایشان

مطمئناً فراتر از هر چیزی بود که اکنون می‌توانیم بر روی زمین تصور کنیم. اما، حوا به جای دوری جستن از مار، و به جای جستجوی کمک‌های الهی، سخن مار را می‌پذیرد. پذیرش سخن مار از سوی حوا، مستلزم شک و تردید حوا به خداوند و سخنان او بود.

در عین حال، آدم نیز در شرایطی بغرنج سرگردان شده بود. «آدم فهمید که یاور زندگی‌اش از فرمان خداوند سرپیچی کرده است، و تنها ممنوعیتی را که خداوند به عنوان آزمون وفاوداری و محبت آنان نسبت به خویش تعیین کرده بود را نادیده گرفته است. ذهن او بشدت پریشان شده بود. او از این که چرا به حوا اجازه داده است تا از کنار او دور شود ماتم زده شد. اما حال، آنچه نباید رخ دهد، اتفاق افتاده بود؛ و او باید از حوا که در مصاحبت و همنشینی او شاد و خرسند بود، جدا شود. او چگونه میتوانست از حوا جدا شود؟» (الن جی وایت، مشایخ و انبیا، صفحه ۵۶). متأسفانه گر چه او فرق درست را از غلط می‌دانست ولی او نیز انتخاب اشتباهی داشت.

در اینجا به این طعنه فریب دهنده بیندیشید: مار می‌گوید که اگر آنها از میوه درخت ممنوعه بخورند، می‌توانند «همچون خدا» شوند (پیدایش ۳: ۵). اما آیا پیدایش ۱: ۲۷ نمی‌گوید که آنها شبیه خداوند بودند؟ این مطلب در باره اینکه چگونه می‌توانیم به سادگی فریب بخوریم و چرا ایمان و اطاعت تنها مامن و حفاظ ماست، حتی هنگامی که بهترین آموزش را دیده باشیم، همانگونه که آدم و حوا از برخوردار بوده اند چه می‌گوید؟

بدست آوردن دوباره آنچه که از دست رفته بود

هنگامیکه آدم و حوا تصمیم گرفتند پیام و سخن مار را بپذیرند و پیرو او باشند، در میان بسیاری از پیامدهای دیگر، با تبعید از کلاس درس خداوند مواجه شدند. به این فکر کنید که آدم و حوا بخاطر گناهی که مرتکب شدند، چه چیزهایی را از دست دادند. با درک سقوط بهتر میتوانیم هدف آموزش را در عصر حاضر درک کنیم. علیرغم تبعید آنان از باغ عدن، زندگی در یک دنیای فانی ما را بسوی هدف جدیدی برای آموزش سوق میدهد. اگر آموزش قبل از سقوط انسان در گناه، طریق خدا بود تا آدم و حوا با او و خصلت او و نیکوئی او آشنا شوند، پس، بعد از اخراج آنان، کار آموزش باید ایجاد رابطه مجدد بشریت با آن چیزها باشد و همچنین خلقت مجدد مابه شباهت خداوند باشد. علیرغم حذف فیزیکی حضور آنان از حضور خداوند، فرزندان خدا همچنان می‌توانند او و خیریت‌های او و محبت او را بشناسند. از طریق دعا، خدمت و مطالعه کلام او، میتوانیم به خدای خود نزدیک شویم، همانطور که آدم و حوا در باغ عدن به او نزدیک بودند.

خبر خوب اینست که به خاطر عیسی مسیح و نقشه نجات، همه حیات ابدی را از دست نخواهند داد. ما به رستگاری و احیای مجدد امید داریم. پس آموزش مسیحی باید هرچه بیشتر شاگردان را بسوی عیسی مسیح هدایت کند و آنچه او برای ما انجام داده و احیایی که به ما ارزانی می کند.

دوم پطرس باب ۱: ۳ تا ۱۱ را بخوانید. با توجه به آنچه که بشر هنگام ترک و تبعید از باغ عدن از دست داد، ما از این آیات دلگرم کننده مطالب زیادی را درک می کنیم. پطرس از ما میخواهد که چه کاری را انجام دهیم، اگر احیای تصویر خداوند را در زندگی خود میخواهیم؟

از طریق عیسی مسیح «هر آنچه را که برای حیات و خداپرستی نیاز داریم» به ما داده شده است. چه وعده خوبی! پطرس برخی از صفاتی را که باید داشته باشیم، نام می برد: ایمان، تقوا و معرفت، خداشناسی، خویشتنداری، پایداری و بردباری. همچنین توجه کنید که علم یکی از چیزهایی است که پطرس به آن اشاره می کند. البته این ایده به علم و دانش راستین منتهی می شود، که دانش شناخت مسیح است و از این رو نه تنها شبیه او می شویم بلکه می توانیم بایستیم تا دانش او را با دیگران به مشارکت بگذاریم.

لحظه ای در مورد این واقعیت بیاندیشید که درخت ممنوعه همان درخت «شناخت نیک و بد» بود. این مطلب درباره این که چرا همه دانش ها خوب نیستند چه می گوید؟ چگونه میتوانیم تفاوت بین نیک و بد را بدانیم؟

۱۰ مهر

پنجشنبه

خوار کننده اقتدار

برخی از افراد در کلاس درس «شاگردان بالفطره یا طبیعی» در نظر گرفته می شوند. آنها به ندرت نیاز به مطالعه دارند تا نمرات عالی کسب کنند. آنها به راحتی مطالب را درک می کنند و یاد میگیرند. به نظر می رسد دانش آنان «عصای» آنان است. باینحال، دوم پطرس باب ۱ و ۲ این نکته را آشکار می سازد که آموزش ما در مسیح برای کسانی است که خود را وقف خواهند نمود تجربه ای از یک فرصت برابر و بدون تبعیض است. سخنان تشویق کننده دوم پطرس باب یکم، در تضاد با هشدار های وحشتناک دوم پطرس باب دوم میباشد.

دوم پطرس باب ۲: ۱ تا ۱۷ را بخوانید. او در اینجا چه سخنان قدرتمند و نکوهش کننده ای را بیان می کند؟ در عین حال، در میان این هشدارها و سرزنشهای صریح و شدید، چه امید بزرگی به ما وعده داده شده است؟

توجه کنید که پطرس در آیه ۱۰ درباره کسانی که اقتدار خدا را خوار می شمارند، صحبت می کند. این موضوع همچنين، سرزنش و ملامت شدیدی برای واقعیت امروز دوران ما است. ما به عنوان بدنه کلیسا باید بر روی مفهوم سطوح مشخصی از اقتدار تمرکز و کار کنیم (نگاه کنید به عبرانیان ۱۳: ۷، ۱۷، ۲۴)، و ما فراخوانده شده ایم تا تابع آنان باشیم، حداقل، تا حدی که آنها خودشان نسبت به خداوند وفاوار و متعهد باشند. با اینحال، در میان این نکوهش و محکومیت شدید، پطرس در آیه ۹، به نقطه مقابل آن اشاره می کند. او می گوید، با اینکه خداوند قادر است کسانی را که فریب و وسوسه را انتخاب کرده اند، از بین ببرد، اما «خداوند می داند چطور نیک مردان را از وسوسه ها و آزمایشها برهاند».

ممکن است که بخشی از آموزش ما در مسیحیت نه تنها وسوسه را دور می کند بلکه همچنين می آموزد که خدا می تواند با روشهای بسیاری ما را از وسوسه ها برهاند و همچنين ما را از آنچه که هشدار داده است محافظت نماید که «پنهانی بدعت‌های مهلک خواهند آورد» (دوم پطرس ۲: ۱).

و همچنين، از آنجایی که خوار کننده اقتدار خداوند بسیار محکوم و نکوهش شده است، آیا آموزش مسیحی ما نباید از طریق تعلیم صحیح درک، تسلیم، و اطاعت از «رهبرانی [باشد] که کلام خدا را برای شما بیان می کنند؟» (عبرانیان ۱۳: ۷).

با اینکه نمی توان گفت که آدم و حوا اقتدار خدا را خوار شمردند، اما در نهایت تصمیم گرفتند تا نافرمانی کنند و از اقتدار او سرپیچی کنند. و آنچه که منجر به این تخطی بسیار شوم و زیان آور آنان شد، اینست که عمل آنها در تضاد آشکار با اقتدر خداوند، سخنان او، و خود خداوند بود، کسی که برای نیکویی و خیریت خود آنان کارهای زیادی انجام داده بود.

بیشتر بر روی مسئله اقتدار خداوند تعمق کنید، نه فقط در کلیسا و یا در خانواده، بلکه بطور کلی در زندگی. چرا اقتدار و حاکمیت خداوند، هم در اعمال صحیح و هم در تسلیم کامل بودن، بسیار مهم است؟ پاسخ‌های خود را در روز سبت با کلاس در میان بگذارید.

بلکه به عنوان شاگردان، از سوی خالق دانای مطلق تعلیم می یافتند. فرشتگان با آنان ملاقات کرده و به ایشان اطمینان داده بودند که بدون هیچ مانعی می توانند با خالق خود مصاحبت داشته باشند. آنان سرشار از قدرتی بودند که به وسیله درخت حیات به ایشان داده شده بود و قدرت عقلانی ایشان کمی کمتر از فرشتگان بود. اسرار کائنات و « اعمال شگفت انگیز او که در علم، کامل است » (ایوب ۳۷: ۱۶)، منبع پایان ناپذیر علم و سعادت را در اختیار ایشان قرار داده بود. قوانین و عملکرد طبیعت که مطالعه آن انسان را برای شش هزار سال به خود مشغول کرده است، از سوی خالق و حافظ جهان برای ایشان آشکار شده بود. آنان با برگ و گل و درخت گفت و شنود می کردند و از زندگی هر کدام اسرار مربوط به حیاتش را درک می کردند. آدم با هر موجود زنده از غول آساترین موجودی که در آب ها شنا می کرد تا ریزترین حشره ای که در پرتو آفتاب معلق است آشنا بود. او تمامی موجودات را نامگذاری کرده بود و با طبیعت و خلق و خوی آنان آشنا بود. شکوه و جلال خدا در آسمانها، سیارات بی شمار در چرخش منظمشان، « موازنه ابرها » اسرار مربوط به نور و صدا، روز و شب، همه برای مطالعه والدین اولیه ما گشوده بود. بر روی هر برگ درختان جنگل و یا هر سنگ کوهستان، در هر ستاره درخشان، در هوا و در زمین، نام خداوند نوشته شده بود. نظم و ترتیب و آهنگ خلقت از حکمت و قدرت بیکران خداوند با ایشان سخن می گفت. آنان همواره چیزهایی را کشف می کردند که دلپاییشان را از محبت خدا لبریز می کرد و احساس حمد و شکرگزاری را در باطن ایشان برمی انگیزت.»

سؤالاتی برای بحث

۱. اگر خدا از ابتدا قصد داشت تا مدرسه/ کار، فرصتی برای روبرو شدن بشر با وی و خلقت او باشد، آیا همچنان ما امروزه در کار و شغل خود به این هدف خداوند توجه و عمل می کنیم؟ چگونه میتوانیم از طریق حرفه خود (با دستمزد، تحصیلات، داوطلبانه، خدمت، و غیره) با خداوند بهتر آشنا شویم؟

۲. هنگامیکه ما حيله گری ابلیس در باغ عدن را در نظر میگیریم، به راحتی با در نظر گرفتن ضعف انسانی خود میتوانیم ناامید شویم. آدم و حوا میدانستند که خداوند به آنان نزدیک است، با اینحال، آنها سخنان نصف نیمه حقیقت مار را پذیرفتند. چگونه ما که از چنین نزدیکی فیزیکی با او محروم شده ایم، هنوز میتوانیم از قدرت او بهره مند شویم تا به ما کمک کند بر وسوسه غلبه کرده و از آن سربلند بیرون بیابیم؟

۳. در مورد مسئله اقتدار و اینکه چرا اطاعت از آن بسیار مهم است، بحث و گفتگو کنید. چه اتفاقی می افتد هنگامیکه خطوط اقتدار و حاکمیت محو و نادیده گرفته شوند؟ چگونه می توان از اقتدار سوءاستفاده کرد و چگونه میتوان به آن پاسخ داد وقتی که وجود دارد؟